

نقش سرمایه اجتماعی در تولید

سید محمدحسن مصطفوی *

چکیده:

سرمایه اجتماعی (Social capital) یکی از مفاهیم جدید و بسیار مطرح در پژوهش‌های میان رشته‌ای (Interdisciplinary) به ویژه جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌باشد که در یکی دو دهه اخیر، پس از سرمایه‌های طبیعی، مالی، فیزیکی و انسانی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. این مفهوم که به حق نقشی سرمایه‌گونه ایفا می‌کند، به عنوان نوعی سرمایه پذیرفته شده است. پژوهش‌هایی درباره ارتباط متقابل توسعه و رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی انجام شده و به تازگی در مراکز تحقیقاتی کشورمان نیز بررسی این ارتباط مطرح گردیده و خصوصاً از اوایل دهه ۱۳۸۰ معدود تلاش‌هایی در این زمینه به عمل آمده است. اگرچه درباره تأثیر سرمایه‌های گوناگون بر تولید، تحقیقات زیادی انجام شده اما درباره نقش سرمایه اجتماعی بر تولید؛ طرح‌های مطالعاتی محدودی در کشور اجرا گردیده و به تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد تولید، کمتر توجه شده است.

از سوی دیگر کشورمان پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نوسانات زیادی را در روند رشد تجربه کرده و رشد فعلی با نرخ رشد در برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز، تفاوت معنی‌دار و قابل توجهی دارد؛ در حالی که کشورهای مشابه ایران از نظر اقتصادی و سطح تولید چون ترکیه و کره جنوبی، اکنون در وضعیت بهتری از نظر رشد تولید قرار دارند و از این رو توجه به افزایش تولید ملی، ضرورتی بیش از پیش می‌یابد؛ به ویژه که ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی بر لازمه شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی انگشت تأکید نهاده است.

با توجه به ضرورت رشد تولید بالاتر، لازم است عوامل مؤثر بر رشد که تاکنون به اهمیت آنها چنان که باید و شاید توجه کافی نشده، موضوع مطالعات و بررسی‌ها قرار گیرند که در این مقاله به سرمایه اجتماعی و نقش آن در اقتصاد و بالاخص تولید پرداخته می‌شود.

در این مقاله با اتکا به اطلاعات حاصل از مطالعات مستقل قبلی، سرمایه اجتماعی با مفاهیم کلیدی آن و همچنین تولید و مؤلفه‌های اصلی آن توضیح داده خواهد شد و همچنین تأثیر سرمایه اجتماعی (و

تقویت و افول آن) بر برخی شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم تولید ملی از جمله موارد زیر تبیین می‌گردد:

- تأثیر سرمایه اجتماعی بر اثر بخشی سیاست‌های اقتصادی دولت
- نقش سرمایه اجتماعی در تثبیت حقوق مالکیت
- اثر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه مبادلاتی (Transaction cost)
- اثر سرمایه اجتماعی در جلوگیری از شکست بازار (Failur market)
- نقش سرمایه اجتماعی بر کاهش آسیب‌های دوران رکود

در بخش پایانی نیز جمع‌بندی و پیشنهاداتی درباره تقویت سرمایه اجتماعی و جلوگیری از افول آن ارائه خواهد شد.

کلید واژگان: سرمایه اجتماعی، حقوق مالکیت، هزینه مبادلاتی، شکست بازار، رکود، تولید ملی و رشد اقتصادی

مقدمه:

مفهوم سرمایه اجتماعی - یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم در ادبیات اجتماعی و توسعه - یک مفهوم فرارشته‌ای است که طی دو دهه اخیر حجم زیادی از پژوهش‌ها را در غرب، به خود اختصاص داده و در سالیان اخیر به ویژه در دهه ۱۳۸۰ مورد توجه کشورهای دیگر از جمله ایران قرار گرفته است.

در مطالعات انجام‌شده این نتیجه به دست آمده که بدون داشتن سطحی از سرمایه اجتماعی، با سرمایه‌های دیگر از جمله طبیعی، فیزیکی و مالی، مشکل می‌توان به توسعه و رشد اقتصادی دست یافت که در صفحات بعدی به ابعاد آن پرداخته می‌شود.

در این مقاله، ابتدا مفهوم و مروری بر تاریخچه و انواع سرمایه اجتماعی ارائه می‌گردد و برخی جنبه‌های سرمایه اجتماعی در پی می‌آید. اهم مطالعات انجام‌شده و ملاحظات نظری و تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه و رشد اقتصادی مطالب بعدی است. سپس اثرات سرمایه اجتماعی بر هر یک از عناصر تولید و رشد ملاحظه می‌شود. نتیجه‌گیری مطالعات انجام‌شده نیز پایان‌بخش مقاله می‌باشد.

مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، به‌طور کلی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که در برگیرنده اطلاعات، اندیشه‌ها، پشتیبانی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد که رفتارهای غیرخودخواهانه یا دیگر خواهانه در آن بارز است و اجرای قراردادهای با هزینه مبادله ناچیز و قابل اغماض، تسهیل می‌کند.

یکی از تعاریف مطرح سرمایه اجتماعی در مقاله جیمز کلنن ارائه شده است که با ادغام دو عنصر مهم سرمایه اجتماعی مرکب از ساختار اجتماعی شامل قوانین، هنجارها و تعهدات و اصل اقتصادی کنش عقلانی فردی؛ مدلی ساخته که طبق آن عمل اجتماعی برای اعضای شبکه جامعه یا گروه اجتماعی با کمترین هزینه تسهیل می‌شود (کلنن، ۱۳۸۵).

این مفهوم بین رشته‌ای بر روابط، اعتماد و همکاری میان انسان‌ها دلالت و در زندگی تمامی انسان‌ها (جز انسان‌هایی که منفرد زندگی می‌کنند) و تمام

اجتماعات جریان دارد. وجود سرمایه اجتماعی شرط لازم برای نتیجه‌بخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است و بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد (رنانی، ۱۳۸۱).

مروری کوتاه بر تاریخچه مطالعات سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی از دو دهه پیش رایج شده و با کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی جیمز کلنن در سال ۱۹۹۰ بسیار جدی شد؛ اگرچه اولین مقاله در این زمینه توسط "هانیفان" (Hannifan) در سال ۱۹۱۶ تدوین شده است و در سال ۱۹۸۷ نیز کلنن کتاب "هنجارها به مثابه سرمایه اجتماعی" را انتشار داده بود (Coleman, J. S. (۱۹۸۷) Norms as Social Capital, New York, paragon). بعد از کلنن، پاتنام با تحقیقات خود در ایتالیا موضوع را پی گرفت.

در مطالعات اخیر؛ دانشمندان علوم رفتاری، از جمله دیگو گمبتا (۱۹۸۸)، جیمز کلنن (۱۹۹۰)، رابرت پاتنام (۱۹۹۳) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۵) تحقیقات درباره سرمایه اجتماعی را دنبال کردند که در همه این مطالعات، نشان داده شد که میزان سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده کیفیت کارکرد نهادهای جامعه است.

در طی سال‌های پایانی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم، در خصوص مطالعات سرمایه اجتماعی به رفتارهای داوطلبانه و پیامدهای ارزشی و اخلاقی پرداخته شد.

آسلاینز (۱۹۹۹) بر اساس مطالعه‌ای که بر روی داده‌های پیمایشی ارزش‌های جهانی در مورد آمریکا انجام داد به این نتیجه رسید که رفتارهای اخلاقی بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و اعتماد اجتماعی

بستگی دارد (روشنفکر، ۱۳۸۵).

پاتنام (۲۰۰۱) در پژوهشی به نام سرمایه اجتماعی جامعه محور به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دیگرخواهی در امریکا پرداخت و نتیجه گرفت روند انجام اعمال نوع دوستانه از یک الگوی با معنا در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند و تصادفی نیست (همان).

انواع سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به چند نوع: درون‌گروهی (Bonding Social Capital) برون‌گروهی (Bridging Social Capital) و ارتباطی (Linking Social Capital) قابل تقسیم‌بندی است:

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (پیوندی) بین افرادی که ارتباطات صمیمی با یکدیگر دارند، ایجاد می‌شود. مانند دوستان نزدیک و خویشاوندان نزدیک و خانواده که بین آنها به علت وجود اعتماد متقابل، معاملات به راحتی و عمدتاً بدون انعقاد قرارداد و اخذ تضمین و رد و بدل کردن وثیقه انجام می‌شود و اگر نقصی در انجام معاملات پیش آید، اغلب به صورت دوستانه و بدون مراجعه به دادگاه حل می‌شود.

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا میان‌گروهی وقتی است که اعتماد و همکاری بین افرادی به وجود آید که لزوماً ارتباطات دوستانه یا خویشاوندی نزدیکی با یکدیگر ندارند؛ اما به دلایلی با هم مرتبط‌اند، مانند اعضای گروه‌های اجتماعی (به عنوان مثال NGOها) و گروه‌های سیاسی (مانند احزاب) یا مردم یک روستا، شهر یا کشور.

وجود تعداد زیادی گروه با انسجام

درونی بالا، ممکن است جامعه را دچار چنددستگی کند که برای رهایی از این معضل، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی مطرح می‌شود که محور اصلی آن، وجود روابط سالم میان افراد بیگانه از هم است؛ یعنی افرادی که به گروه‌های گوناگونی تعلق دارند ولی در یک جامعه زندگی می‌کنند (علمی و همکاران، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته برای قوام و دوام هر جامعه‌ای لازم است.

نتیجه برخی مطالعات در کشور نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، اثر مثبت و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی؛ بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد.

سرمایه اجتماعی ارتباطی

سرمایه اجتماعی ارتباطی، از ارتباط افراد و نخبگان طبقات مختلف ایجاد می‌شود؛ اگرچه ارتباط آنان با افراد عادی را نیز در بر می‌گیرد که ارتباط رهبران کشورها یا رهبران احزاب با دیگر رهبران و مردم عادی از این نوع است.

همچنین متولیان مذاهب و نهادهای مذهبی، با انباشت سرمایه اجتماعی

ارتباطی، قادر به بسیج مؤمنان هوادار می‌باشند. بررسی‌ها در ایران بیانگر آن است که در مناطق سنتی، نهادهای مذهبی می‌توانند مشارکت و اعتماد عمومی را تقویت کنند و در مناطق توسعه یافته، مشارکت‌های رسمی در قالب انجمن‌ها و تشکل‌ها بیشتر است.

سرمایه اجتماعی به عنوان کالای عمومی کالاهای عمومی، کالاهایی هستند که علاوه بر تقسیم‌ناپذیری می‌توانند به‌طور هم‌زمان توسط افراد زیادی مصرف شوند؛ به صورتی که مصرف‌کنندگان اضافی کالاهای عمومی هزینه اضافی ایجاد نمی‌کنند و باعث محروم شدن دیگران از مصرف آن کالاها نیز نمی‌شوند. این کالاها برای تمامی افراد جامعه ضروری است و رفاه جامعه را افزایش می‌دهد ولی هیچ فردی نمی‌تواند از این کالاها به مقدار نیازش خریداری کند (مهرگان، ۱۳۸۶)

بیشتر اشکال سرمایه اجتماعی، سود خود را در وهله اول نصیب کسانی نمی‌کنند که در ایجاد هنجارها تلاش کرده‌اند، بلکه همه اعضای این ساختار را بهره‌مند می‌نمایند. مثلاً زنان خانه‌داری که وقت بسیاری را برای فعالیت در انجمن‌های محلی اختصاص می‌دهند، تمامی اهالی یک محل از تلاش‌های آنان به نوعی سود می‌برند و فعالیت‌های آنها دارای "آثار خارجی" مثبت می‌باشد.

سرمایه اجتماعی برای افراد درون شبکه، منبعی است که بر عملکرد و کیفیت زندگی افراد، مؤثر است و چون سود حاصل از سرمایه اجتماعی بیشتر نصیب عموم افراد جامعه می‌شود؛ لذا نمی‌توان کسانی را موظف کرد که آن را ایجاد نمایند. برخلاف کالاهای عمومی متعارف؛ در مورد سرمایه اجتماعی،

نابرابری بیشتر به

کاهش مشارکت در

فضای عمومی و افزایش

بی‌اعتمادی منجر می‌شود

که هر دو بر تندرستی

تأثیر می‌گذارند

جنبه داوطلبی آن اهمیت دارد که در پی فعالیت داوطلبان، سرمایه اجتماعی، خواه ناخواه ایجاد می‌شود.

جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی در کنار جنبه‌های متنوع، گسترده و بنا تأثیرات مثبت سرمایه اجتماعی، می‌باید مانند سرمایه‌های مالی و فیزیکی که ممکن است در جهتی ضد اهداف اجتماعی و مردمی به کار رود، توجه نمود که در برخی موارد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی این جهت را پیدا می‌کند.

گروه‌ها و شبکه‌های مافیایی، تبهکاران و سارقان نیز بین خود دارای اعتماد و سرمایه اجتماعی‌اند؛ اما این اعتماد به یکدیگر تحت تأثیر بی‌اعتمادی به جامعه بزرگتر، به فعالیت‌های ضد اجتماعی مدد می‌رساند. در جنگ‌های طولانی و وسیع؛ نیز سطح بالایی از سرمایه اجتماعی در دو طرف مخاصمه وجود دارد.

برخی از اشکال سرمایه اجتماعی ممکن است به حرمت و آزادی افراد لطمه بزنند. تلاش برخی طبقات یا احزاب برای به دست گرفتن قدرت که به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند، فرقه‌گرایی‌های افراطی که درگیری‌ها و کشتارهای قومی را دامن می‌زنند. چالش‌های قومی در آفریقا، نسل‌کشی وحشت‌زای شبه‌جزیره بالکان در دهه ۱۹۹۰ جنبه‌ای از سرمایه اجتماعی را با خود داشت که افراد با خطر کردن، دست به کشتارهای وحشیانه می‌زدند.

از این رو می‌باید در بررسی سرمایه اجتماعی، انگیزه‌ها، جهت‌گیری و اهداف آن بررسی شود و علاوه بر محاسن و منافع، به معایب و هزینه‌های آن توجه گردد.

نابرابری درآمد و سرمایه اجتماعی ویلکینسون، لینچ و کاپلان طی

تحقیقاتی به این نتیجه رسیده‌اند که جوامعی که از نابرابری شدید درآمد رنج می‌برند، از انسجام اجتماعی کمی برخوردارند. سرمایه اجتماعی به واقع واسطه و رابطه میان نابرابری درآمد و تندرستی است؛ نابرابری بیشتر به کاهش مشارکت در فضای عمومی و افزایش بی‌اعتمادی منجر می‌شود که هر دو بر تندرستی تأثیر می‌گذارند. بین شاخص خام سرمایه اجتماعی که شامل شاخص مشارکت در انجمن‌ها و شرکت در رأی‌گیری است، و میزان مرگ و میر در بین بخش‌های بهداشتی؛ رابطه تقریباً معناداری وجود دارد (وینسترا، ۱۳۸۵).

می‌توان گفت که همکاری‌های طبقاتی؛ همکاری کارگران و ناظران در محل کار را تسهیل می‌کند و بدین ترتیب به تندرستی همه کسانی که در بازار کار شرکت دارند، کمک می‌کند.

همچنین برخی از اشکال سرمایه اجتماعی بهره‌مندی بیشتر از رسانه‌ها، کتاب، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سایت‌های اینترنتی را افزایش می‌دهند و باعث دریافت اطلاعات بیشتر از جمله در ارتباط با سلامت می‌شوند که در تندرستی افراد اثر می‌گذارد. پاتنام نشان داده است که سرمایه اجتماعی بر احساس خوشبختی و سعادت تأثیر دارد که خود بر تندرستی اثرگذار است. از طرف دیگر مطالعات بسیاری بر ارتباط بین تولید و رشد اقتصادی و جامعه سالم تأکید دارند.

اهم مطالعات انجام شده در مقاله "سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی" (سوری، ۱۳۸۴) تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه، تولید ناخالص داخلی بدون نفت، تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت،

سرمایه‌گذاری کل، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری خصوصی در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان، سرمایه‌گذاری سرانه بخش خصوصی، نیروی کار شاغل و موجودی سرمایه به عنوان شاخص‌های عملکرد اقتصادی و پرونده‌های چک‌های بلا محل به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کشور به عنوان شاخص‌های کاهش سرمایه اجتماعی در یک مدل اقتصادسنجی استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد نرخ کاهش سرمایه اجتماعی با اغلب متغیرهای مورد بررسی عملکرد اقتصادی رابطه منفی و معنی‌دار دارد. افزایش سرمایه اجتماعی با شاخص‌های عملکرد اقتصادی همبستگی و رابطه مثبت دارند و به ویژه رابطه بین نرخ کاهش سرمایه اجتماعی و نرخ‌های رشد اقتصادی؛ منفی و کاملاً معنی‌دار است. بین سرمایه‌گذاری خصوصی و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی نیز یک رابطه کاملاً منفی و معنی‌دار برقرار می‌باشد.

همچنین ضریب همبستگی اغلب متغیرهای اقتصادی و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی منفی و معنی‌دار است و تولید سرانه بدون نفت نیز رابطه منفی و کاملاً معنی‌دار با کاهش سرمایه اجتماعی دارد.

رابطه مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی به‌طور کل تأیید شد و میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در مناطق توسعه‌یافته‌تر نسبت به مناطق کمتر توسعه‌یافته، بیشتر بود.

مناطق توسعه‌یافته‌تر از سازوکارهای رسمی برای کنش جمعی استفاده می‌کنند، در حالی که در مناطق کمتر توسعه‌یافته،

انجام کنش جمعی نیازمند نهادهای اجتماعی غیررسمی است که بالاتر بودن میزان مشارکت‌های غیررسمی مذهبی در این مناطق گواه بر این موضوع است.

در مقاله سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد که توسط دکتر زهرا علمی و دکتر محمود شارع‌پور و سیدامیرحسین حسینی (مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱، زمستان ۱۳۸۴) نوشته شده، پس از مرور علمی و مبسوط موضوع، نتیجه‌گیری شده است که حضور و فعالیت اجتماعی افراد جامعه، با عملکرد اقتصادی بیشتر همراه است و رفع هرگونه مانعی بر سر راه حضور افراد جامعه در شبکه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصاد را هم تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد.

در مورد ایران نیز مانند کشورهای دیگر که توسط ریزو و همکاران (۲۰۰۱) مطالعه شده، اعتماد به بنیادهای عمومی که معمولاً توسط دولت اداره می‌شوند، نقش بسیار مهمی در ایجاد اعتماد و سرمایه‌های اجتماعی در لایه‌های دیگر اجتماع دارد. بهتر است طبق همان سیاست کشورهای آسیای جنوب شرقی، با مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تشویق نهادهای غیردولتی - که به حضور اعضای جامعه در امور اجتماعی دامن می‌زند - به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کرد.

وقتی دولت‌ها تصمیم به انجام فعالیت‌هایی می‌گیرند که باید بر عهده بخش خصوصی و جامعه گذاشته شود، تأثیری به شدت منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می‌گذارند. اگر دولت‌ها در سازماندهی همه چیز دخالت کنند، مردم به آنها وابسته می‌شوند و توانایی‌های خودجوش خود را برای کارکردن با

یکدیگر از دست می‌دهند.

شبکه‌های سلسله‌مراتبی می‌توانند موجبات بی‌اعتمادی را در جامعه فراهم آورند. کشورهای بی‌اعتمادی که دارای این‌گونه ساختارهای عمودی در جامعه خود می‌باشند، با عملکرد ضعیف قوه قضاییه، فساد بیشتر، دیوان‌سالاری عقب‌مانده و حضور کم‌رنگ مردم در عرصه‌های اجتماعی مواجهند. سرمایه اجتماعی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر عملکرد و رشد اقتصادی می‌باشد.

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با افزایش تعاملات باعث افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های مبادلاتی از جمله رانت‌جویی می‌شود که از این طریق اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد؛ اما تعاملات اجتماعی درون‌گروهی به علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون‌گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

در پژوهشی با عنوان "تجزیه و تحلیل وضعیت و روند سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی در اقتصاد ایران" (سعادت، ۱۳۸۴)، درباره ۲۸ استان کشور بررسی‌هایی به عمل آمده است که نتایج آن نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی دارای روند نسبتاً ثابت و با برخی نوسانات همراه بوده است که این نوسانات ناشی از مسائل سیاسی، تاریخی و فرهنگی است.

استان فارس بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان سرمایه اجتماعی را داشته‌اند و استان‌های یزد و خراسان و استان‌های سمنان، کرمان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب استان‌های با میزان سرمایه اجتماعی بالا و پایین بوده‌اند.

شاخص‌های این مطالعه برای سرمایه اجتماعی؛ میزان مشارکت جمعی (نسبت تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری به جمعیت) و میزان جرم (نسبت تعداد پرونده‌های قضایی به جمعیت)، مشارکت در انتخابات، اعتماد، صداقت و آگاهی عمومی بوده است.

روند کلی سرمایه فیزیکی نیز در دوران انقلاب اسلامی، صعودی و روند نسبت سرمایه اجتماعی به فیزیکی نزولی بوده است. همچنین روند کلی سرمایه انسانی نیز جز در دوران انقلاب اسلامی، صعودی بوده و روند نسبت سرمایه اجتماعی به فیزیکی نیز صعودی بوده است. نتیجه دیگر این مطالعه این است که روند سرمایه انسانی و فیزیکی اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران مثبت است.

ملاحظات نظری

در مطالعات تولید و رشد اقتصادی کشورها و مناطق درون کشورها، در نیمه دوم قرن بیستم نتایجی به دست آمد که با تحلیل‌های اقتصادی به اندازه کافی قابل توضیح نبود که مطالعه پاتنام در دو منطقه جنوب و شمال ایتالیا از جمله آنها بود که تا مدت‌ها به عنوان معمای رشد از آنها یاد می‌شد.

نتیجه ۲۰ سال مطالعه تطبیقی رابرت پاتنام درباره دولت‌های محلی و ایالتی در مناطق مختلف ایتالیا، مؤید این حقیقت است که سنت‌های سابقه‌دار مشارکت مانند رأی‌دادن، روزنامه خواندن، عضویت در انجمن‌ها و باشگاه‌ها از نشانه‌های دولت مؤثر و کارا بود، بنابراین شاید بتوان گفت شبکه‌های روابط متقابل و انسجام اجتماعی، پیش شرط مدرن‌سازی اجتماعی - اقتصادی بوده است و نه ثمره آن

UN, ۲۰۰۱) (به نقل از: خاندوزی، ۱۳۸۴).

نورث نیز به نهادهای رسمی و غیررسمی جهت توضیح تفاوت عملکردهای اقتصادی در جوامعی با امکانات تولیدی مشابه می‌پردازد که سرمایه اجتماعی را در این میان بسیار مهم ارزیابی می‌نماید.

به ویژه اگر محتوای سرمایه اجتماعی در جوامع با رشد اقتصادی متناسب باشد- چنانکه در مقاطعی در کشورهای اروپایی اتفاق افتاده است- بر روند رشد و ارتقاء آن مؤثر خواهد بود.

در مباحث بعدی تأثیر سرمایه اجتماعی بر هر یک از مؤلفه‌های تولید بنگاهی و تولید ملی که رشد اقتصادی حاصل آن است، بررسی می‌شود. تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌ها و عوامل اقتصادی و تولیدی

سرمایه اجتماعی به تدریج به عنصر حیاتی توسعه اقتصادی در سراسر جهان تبدیل می‌شود. ده‌ها پژوهش توسعه روستایی نشان داده است که شبکه نیرومند انجمن‌های مردمی محلی، برای رشد اقتصادی به اندازه سرمایه‌گذاری فیزیکی و تکنولوژیک اهمیت دارد. تحقیقاتی انجام شده که چرا برخی از فعالیت‌ها برای کنترل منابع مشترک از قبیل چراگاه‌ها و منابع آب موفق شده اند؛ ولی برخی دیگر ناکام مانده اند. در این زمینه؛ منابع موجود سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند و برعکس دخالت‌های دولت که زیرساخت‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند یا تضعیف می‌کنند، ممکن است پیامدهای نامطلوبی داشته باشد (پاتنام، ۱۳۸۵).

سرمایه اجتماعی نه تنها ابزاری برای رسیدن به توسعه است، بلکه خود

از اهداف اصیل توسعه جوامع نیز تلقی می‌شود (سن، ۱۳۸۰).

معاملات اقتصادی وقتی در شبکه‌های اجتماعی انجام گیرند، کارآمدتر هستند. پژوهش‌هایی که درباره بخش‌های صنعتی بسیار کارآمد به عمل آمده است: بر شبکه همکاری میان کارگران و کارآفرینان کوچک تأکید کرده است.

حتی نظریه‌های اقتصادی همچون "نظریه جدید رشد" نیز بیش از مدل‌های نئوکلاسیک متعارف به ساختار اجتماعی

در اجتماعاتی که سرمایه اجتماعی قوی دارند، بسیار بیشتر بوده است.

در مطالعات زیادی این گونه نتیجه‌گیری شده است که سرمایه اجتماعی با افزایش آموزش و بهداشت، کاهش مرگ و میر و بهبود وضعیت بهداشت و سلامت، افزایش امید به زندگی، کاهش بزهکاری و جرم و جنایت، موفقیت و کارآیی اقتصادی افراد، احساس خوشبختی، کارآیی نهادی و اعتماد به حاکمیت، توسعه محلی و ملی

بررسی‌ها در ایران بیانگر آن است که در مناطق سنتی، نهادهای مذهبی می‌توانند مشارکت و اعتماد عمومی را تقویت کنند و در مناطق توسعه یافته، مشارکت‌های رسمی در قالب انجمن‌ها و تشکلهای بیشتر است

و توسعه اقتصادی و درآمد کشورهای رابطه مستقیم دارد (حاصل مطالعات پاتنام (۲۰۰۰)، وینستر (۲۰۰۳)، کریشنا و همکاران (۲۰۰۲)، کری آن (۲۰۰۳) و ناک (۲۰۰۲) (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۵).

رابرت پاتنام را می‌توان از پیشگامانی دانست که به رابطه میان توسعه منطقه‌ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او دریافت که سرمایه اجتماعی می‌تواند اختلافات مناطق را از نظر توسعه اقتصادی و عملکرد حکومتی توضیح دهد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۵).

همچنین درصد قابل توجهی از رشد اقتصادی به ویژه در دهه‌های گذشته

توجه می‌کنند و رابرت لوکاس از بنیان‌گذاران تئوری انتظارات عقلانی، انباشت سرمایه انسانی را فعالیتی در اثر سرمایه اجتماعی می‌داند که گروه‌های مردم را به گونه‌ای در بر می‌گیرد که در انباشت سرمایه فیزیکی همتایی ندارند (پاتنام، ۱۳۸۵).

نکته‌ای که در کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی اهمیت دارد، فقدان سرمایه اجتماعی بود که بدان اهمیتی داده نشد و به فروپاشی نظام آن کشورها انجامید. پژوهشگران مسائل آموزش و پرورش، فقر شهری، بیکاری، جرم‌شناسی و بهداشت عمومی دریافته‌اند که کارکرد و برون دادهای موفقیت‌آمیز

از معماهایی بود که اقتصاددانان با آن مواجه بودند. آنان در بررسی‌های خود دریافتند در برخی کشورها که امکانات، سرمایه و منابع تولید تقریباً مشابهی داشتند، رشد به‌طور معناداری متفاوت از یکدیگر بود.

دنيسون (۱۹۶۱) در بررسی رشد کشور آمریکا متوجه شد که عوامل تولید، نیروی کار ساده و سرمایه فیزیکی نمی‌توانند رشد اقتصادی ایالات متحده را توضیح دهند. بلکه این سرمایه انسانی بود که باعث رشد کشور آمریکا شد. ما با این وجود هنوز سرمایه انسانی به اندازه کافی تفاوت‌ها را توضیح نمی‌داد؛ چرا که برخی کشورها سرمایه انسانی بالایی داشتند اما رشد پایین را تجربه می‌کردند. پس از مطالعات دهه ۱۹۸۰ به بعد، به نقش سرمایه اجتماعی در این باره پی برده شد و از آن پس؛ اعتماد به عنوان عاملی در جهت تحلیل و تبیین رشد مطرح گردید.

مطالعات کورمندی و مگ‌وایر (۱۹۸۵) از اولین مطالعاتی بود که به بررسی سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی و رشد پرداختند و از نگرش آماری؛ استفاده و تأثیر سرمایه اجتماعی را بر رشد مورد تأیید قرار دادند. همچنین نک و کیف در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا سرمایه اجتماعی پیامد اقتصادی دارد؟" یکی از جامع‌ترین مطالعات را روی ۲۹ نمونه از اقتصادهای بازاری انجام دادند و به ارتباط قوی و معنادار سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی دست یافتند و نتیجه گرفتند در کشورهای فقیر که بخش توسعه‌یافته مالی وجود ندارد، سرمایه اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و اعتماد با سرمایه‌گذاری دارای همبستگی است. مطالعه لاپورتا و

همکاران (۱۹۹۷) نیز از گسترده‌ترین مطالعات در تأیید رابطه اعتماد و عملکرد اقتصادی است.

بررسی‌هایی که درباره کشورمان انجام شده نشان می‌دهد رابطه سرمایه اجتماعی و رشد به‌طور معنی‌داری مثبت ولی روند سرمایه اجتماعی در ۴ دهه منتهی به سال ۱۳۸۰ با نوساناتی همراه و تا حدودی نزولی بوده و در سال‌های اخیر به علت تورم و بیکاری، امید به آینده کاهش یافته است. سرمایه اجتماعی از جوانب مختلف می‌تواند بر تولید ملی اثرگذار باشد که در اینجا سه گروه از عوامل معرفی و آثار سرمایه اجتماعی بر این عوامل بحث می‌شود. گروه الف، اثر سرمایه اجتماعی بر عوامل اقتصادی است که مستقیماً بر تولید اثرگذار است؛ گروه ب، اثر سرمایه اجتماعی بر یکی از منابع اصلی تولید یعنی رشد نیروی انسانی و ظرفیت‌های آن از جمله اشتغال و گروه ج، مربوط به نقش سرمایه اجتماعی بر موفقیت و کارآمدی دولت در حوزه اقتصاد می‌باشد که در همه موارد فوق، تولید ملی و رشد اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

الف) اثر سرمایه اجتماعی بر عوامل اقتصادی سرمایه اجتماعی بر عوامل اقتصادی عمدتاً از طرق زیر اثرگذار است:

۱- الف) سرمایه‌گذاری مطالعاتی که درباره بیره‌های آسیا (از قبیل: مالزی، تایلند، هنگ‌کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان) و چین صورت گرفته، نشان می‌دهد که این کشورها از یکی - دو دهه پیش رشدی بالایی را تجربه کرده‌اند و یک نظام "سرمایه‌داری شبکه‌ای" را ایجاد کرده‌اند که در نوع خود تجربه جدیدی است که

به جای تمرکز بر بنگاه به عنوان واحد پایه‌ای سرمایه‌داری، بر خانواده گسترده تکیه دارد. در این شبکه به علت اعتماد متقابل، هزینه‌های معاملاتی پایین و انتقال ابداعات بالا است. این فرایند می‌تواند سرمایه اجتماعی را به سرمایه مالی و سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند.

همچنین سرمایه اجتماعی با افزایش کارآیی بخش مالی در تبدیل پس‌اندازهای افراد یا خانوارها به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، بر تولید کالاهای نهایی و رشد اثر می‌گذارد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶).

در جوامعی که سرمایه اجتماعی بالا وجود دارد، جرم و تبهکاری بسیار کمتر اتفاق می‌افتد و بنگاه‌ها برای حفاظت از منابع خود مجبور نیستند از خدمات امنیتی ویژه با هزینه‌های بالا استفاده کنند و یا به گروه‌های تبهکاری رشوه بدهند که به نوبه خود منابع مالی از طریق کاهش هزینه، افزایش می‌یابد و می‌تواند سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. از طرف دیگر امنیت سرمایه باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

همچنین اعتماد باعث می‌شود تا تأمین مالی قراردادهای با اسناد مدت‌دار تأدیه شود که با توجه به وضعیت مالی بنگاه‌ها امتیاز بالایی محسوب می‌شود و به افزایش معاملات و سرمایه‌گذاری‌ها دامن می‌زند و به جهت امنیتی که ایجاد می‌کند، خانوارهای محافظه‌کار را نیز به سپردن وجوه نقد خود به بانک‌ها و یا خرید اوراق سهام و قرضه تشویق می‌نماید که اعتبارات سرمایه‌گذاری را بیش از پیش تأمین می‌نماید. به ویژه که در سطح اعتماد بالا حتی سند مدت‌دار اگر در سررسید نقد نشود، موضوع به جای اینکه به دادگاه و زندان کشیده

شود، دوستانه و با اعطای فرصت حل می‌شود؛ چرا که در صورت زندانی شدن بدهکار، یک نیروی انسانی کارآفرین به زندان می‌افتد و از طرف دیگر امکان نقد شدن اسناد کمتر می‌شود و طلبکار نیز صدمه می‌بیند و از دو طرف؛ سرمایه‌گذاری لطمه می‌خورد.

۲- الف) کاهش هزینه مبادلاتی و حفاظت از حقوق مالکیت

برخلاف برخی نظریه‌های افراطی در باب فردگرایی و پیگیری صرفاً نفع فردی، ماکس وبرگسترش سرمایه‌داری را در یکی از کشورهای پیشتاز سرمایه‌داری یعنی آلمان، در اثر نیکی افراد به دیگران می‌داند.

در مشابهت با آن، اصول اخلاقی کنفوسیوسی است که به عنوان عامل توضیح‌دهنده توسعه آسیای جنوب شرقی پس از جنگ جهانی در نظر گرفته می‌شود (فرانکوئیس، ۱۳۸۶). یکی از اثرات اخلاق کنفوسیوسی و نیز نیکی افراد، کاهش هزینه مبادله است.

هزینه مبادلاتی عبارت است از کل هزینه‌های آشکار و پنهان اقتصادی و غیراقتصادی که در معاملات علاوه بر هزینه‌های مندرج در قراردادها یا مبالغ توافق شده، بر طرفین معامله تحمیل می‌شود. عدم پای‌بندی یک یا دو طرف مبادله، هزینه‌های غیرتولیدی را افزایش می‌دهند. هزینه فرصت (Opportunity cost) و هزینه مبادله (Transaction costs) در نبود سرمایه اجتماعی بسیار بالاست و تقلب در این شرایط زیاد اتفاق می‌افتد.

در درون شبکه‌ها، مبادله گران در مقابل کلاهبرداری حفاظت می‌شوند؛ زیرا این تضمین وجود دارد که افراد کلاهبردار مجازات خواهند شد. تهدید به مجازات - از طریق مبادله نکردن افراد

شبکه با فرد خاطی در آینده - اعمال می‌شود که منفعت شبکه در پیروی از این هنجار اجتماعی است. دیگر اینکه افرادی که با کلاهبرداران مبادله می‌کنند، به مجازات می‌رسند، حتی اگر آنها خودشان کلاهبردار نباشند، که این تنبیه می‌تواند اثربخشی مجازات را افزایش دهد. در این مورد، مجازات‌کنندگان حتی از ترس از دست رفتن اعتبارشان، کلاهبردار را با توقف مبادله با او تنبیه می‌کنند. (فرانکوئیس، ۱۳۸۶).

به این ترتیب روابط و هنجارهای شبکه‌ای در سطوح بخشی و خرد اقتصاد موجب جریان یافتن اطلاعات، مبادلات و

سرمایه اجتماعی همان عاملی است که هم در حوزه‌هایی که دولت نظارت دارد و هم در حوزه‌هایی که اصولاً امکان نظارت دولت وجود ندارد، رفتارها را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد

می‌دهد. همچنین حقوق مالکیت در مکتب نهادی و اقتصاد نهادگرا، خود یکی از نهادهای پایداری است که اگر در منطقه یا کشوری به درستی حفاظت شود، به جهت امنیتی که ایجاد و کاهشی که در هزینه مبادله به وجود می‌آورد، سرمایه‌ها به آنجا منتقل می‌شود و مبادلات در آنجا بیشتر صورت می‌گیرد. مبادلات بیشتر و سرمایه افزونتر، هم منافع طرفین مبادلات را افزایش می‌دهد و هم بر رشد می‌افزاید.

حفاظت از حقوق مالکیت تا آنجا اهمیت دارد که برخی اقتصاددانان می‌گویند اگر می‌خواهید درجه توسعه‌یافتگی کشوری را بدانید، وضعیت حقوق مالکیت و حفاظت از آن را بررسی کنید.

از طرف دیگر، یکی از وظایف مهم دولت در اقتصادهای متعارف، تعریف حقوق مالکیت و حفاظت از آن است که هزینه مبادله را کاهش می‌دهد.

اما روشن است که هیچ دولتی تحت هیچ شرایطی با فناوری‌های شناخته شده موجود نمی‌تواند آن چنان کامل عمل کند و در همه حوزه‌های بالقوه چنان حقوق مالکیت را تعریف و تضمین و در تمام زمینه‌هایی که بین مردم مبادله انجام می‌پذیرد؛ مداخله و نظارت کند که هزینه مبادله همواره ناچیز بماند.

سرمایه اجتماعی همان عاملی است که هم در حوزه‌هایی که دولت نظارت دارد و هم در حوزه‌هایی که اصولاً امکان نظارت دولت وجود ندارد، رفتارها را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد و بنابراین هزینه مبادله را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی نقش مکمل دولت را در اقتصاد ایفا می‌کند و حتی در برخی زمینه‌ها جایگزین دولت می‌شود. روشن

سرعت آنها می‌گردد که این امر حاصل اعتماد است و نوع دوستی، باعث افزایش درجه همکاری بالا بین بنگاه‌ها و صنایع و در نهایت کاهش هزینه‌های انتقالی، مبادلاتی و وثیقه‌ای و کاهش هزینه‌های تولید می‌شود (خاندوزی، ۱۳۸۴). کاهش هزینه تولید باعث انتقال منحنی عرضه بنگاه‌ها به سطح بالاتر می‌شود و در نتیجه تولید کل را افزایش

است که هر چه سرمایه اجتماعی در حوزه‌های بیشتری نقش بازی کند، دامنه مداخله دولت کاهش می‌یابد و بنابراین هزینه‌هایی که ناشی از وجود دولت بزرگ است نیز حذف می‌شود (رنانی، ۱۳۸۷).

۳- الف) بهره‌وری

یکی از اثرات مهم سرمایه اجتماعی، بهره‌وری است. به زبان نهادگرایان، امروزه اجرای قراردادهای به ویژه هر چه کشور توسعه‌نیافته‌تر باشد، با مشکلات بیشتری مواجه است و از سویی قراردادی که همه جوانب کار را در نظر بگیرد، عملاً بسیار پیچیده، وقت‌گیر و پرهزینه می‌باشد به طوری که لازم می‌آید برای تدوین و نظارت بر آن از تخصص‌های مختلف بهره‌گرفته که هزینه‌های مبادلاتی را بیش از پیش افزایش می‌دهد.

هر چه اعتماد متقابل بیشتر باشد، خلأ قراردادهای با مشکل کمتری مواجه می‌شود و در اعتماد بالاتر فرض بر این است که طرفین هر چه بیشتر از فرصت‌طلبی دوری می‌جویند که اجرای قرارداد را تسهیل و خلأها و عدم شفافیت‌ها در قرارداد مانعی پیش نمی‌آورد و چون رشد اقتصادی بر سرمایه‌گذاری استوار است و سرمایه‌گذاری در چارچوب قراردادهای رد و بدل کردن بسته‌های مالکیتی انجام می‌شود، هر چه اجرای قراردادها روان‌تر شود به سرمایه‌گذاری و رشد کمک می‌کند.

مطالعه بازار عمده‌فروشی الماس نشان می‌دهد که پیوندهای تنگاتنگ فAMILI و اجتماعی و رشته‌های علایق مشترک دینی، ضمانتی را که برای تسهیل داد و ستدها در بازار لازم است؛ تأمین می‌کند. اگر عضوی از این جامعه، الماس‌های قیمتی که موقتاً در اختیار دارد

عرض کند یا بدزدد؛ مرتکب خطای عمدی خیانت در امانت شده است. در نتیجه پیوندهای فAMILI، دینی، و اجتماعی را از دست خواهد داد و اعضای جامعه به او پشت خواهند کرد. قوت این پیوندها، سرگرفتن معاملات را که در آنها قابل اعتماد بودن مفروض است، امکان‌پذیر می‌کند و تجارت با سهولت انجام می‌گیرد. در نبود این پیوندها، اسباب و ادوات عریض و طویل و پرهزینه وثیقه‌ای (bond) و ابزار بیمه مورد نیاز خواهد بود و در غیر این صورت اصلاً امکان سرگرفتن معاملات وجود نخواهد داشت (کلمن، ۱۳۸۵).

۴- الف) جلوگیری از شکست بازار در بحث شکست بازار، بیشترین عامل مؤثر، اطلاعات نامتقارن یا نابرابر است؛ به این معنی که عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات نسبت به متقاضیان اطلاعات بسیار بیشتری از کالا و خدمات و بازار دارند و این باعث می‌شود که مشتریان در تطبیق قیمت با مزیت‌های کالا دچار اشتباه شوند که اگر این موارد گسترش یابد، فروشندگانی که همبستگی اجتماعی کمتری بسا خریداران دارند؛ قیمت‌های بالاتر نسبت به کیفیت کالا را تحمیل خواهند کرد و رقبای منصف‌تر که اطلاعات واقعی در اختیار مشتریان قرار می‌دهند را در رقابت حذف می‌کنند و قیمت انحرافی در بازار مسلط می‌شود که در اثر تکرار، تخصیص ناکارای منابع را در پی دارد که شکست بازار در بلندمدت نتیجه آن است. در صورتی که اگر در بازار اعتماد وجود داشته باشد، اطلاعات کافی در گردش قرار می‌گیرد.

ب) اثر سرمایه اجتماعی بر رشد نیروی انسانی و اشتغال سرمایه اجتماعی با تحت تأثیر قرار

دادن موارد ذیل، سطح تولید را ارتقاء می‌بخشد:

۱- ب) توسعه کارآفرینی

سرمایه اجتماعی از عواملی است که انسان‌ها را به راه‌اندازی کسب و کار تشویق می‌کند و افول آن، نقش منفی در توسعه فعالیت‌های اقتصادی دارد.

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ترین اثرها را بر کارآفرینی دارد. بی شک این آثار؛ باورها و نگرش‌های عمومی، هنجارهای رفتاری، روحیات و الگوهای مربوط به انتخاب شخص را در بر می‌گیرد. اگر بتوان عوامل انگیزش مالی را اثر گذارنده بر رفتار کارآفرین دانست، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و یا همان سرمایه اجتماعی می‌تواند اثر عاطفی داشته باشد (شیخان، ۱۳۸۶).

در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۹ با الگوی فوق در ۱۰ کشور صنعتی و در سال ۲۰۰۰ در ۱۱ کشور دیگر انجام شده؛ اثبات شد سرمایه اجتماعی بالا در کشورهایی که کارآفرینان جدید از احترام برخوردارند و جامعه به کارآفرینان موفق حسادت نمی‌ورزد موجب تشویق و ایجاد انگیزه برای کارآفرینی بوده است (همان).

۲- ب) موفقیت شغلی

علی‌رغم ادبیات مربوط به موفقیت شغلی در نظام‌های فردگرایانه، تعاملات اجتماعی در پرورش و نیز کشف استعدادها نقش مهمی دارند و موفقیت در شبکه اجتماعی حاصل می‌شود. آنچه که باعث پیشرفت می‌شود محصول ارتباطات و بده-بستان‌های اجتماعی است که هر چه این شبکه عوامل لازم رشد و موفقیت تک‌تک آحاد جامعه خود را سخاوتمندانه در اختیارشان بگذارد، نشانگر سرمایه اجتماعی بالا است.

موفقیت و نفوذ قدرت فرد در نظام سازمانی ناشی از عواملی مانند اقتدار، تخصص و موقعیت فرد در شبکه سازمانی است که امروز رفته رفته از اهمیت اقتدار رسمی کاسته شده و بر اهمیت تخصص و موقعیت فرد در شبکه‌ها افزوده می‌شود. مدیر کارآمد کسی است که بتواند شبکه‌ساز باشد. مدیرانی که تصویر درست و کاملی از شبکه‌های موجود در سازمان خود دارند، موفق‌تر هستند (شارع‌پور، ۱۳۸۳).

۳- ب) ابداعات و ابتکارات

تخصیص اعتبار و زمان برای ابداعات و ابتکارات، با ریسک به نتیجه نرسیدن و برنگرداندن سرمایه همراه است که بنگاه‌های اقتصادی در شرایط عادی از آن اجتناب می‌کنند، در حالی که وجود سرمایه اجتماعی بنگاه‌ها و همکاری آنان، هزینه ابداع و ابتکار را بین بنگاه‌ها سرشکن و از ورشکستگی یک بنگاه جلوگیری می‌کند؛ در این صورت ابداعات گسترش می‌یابد و به نتیجه می‌رسد و همان‌طور که می‌دانیم انقلاب‌های بزرگ اقتصادی (کشاورزی، صنعتی، برق، ارتباطات و اطلاعات) و عمده پیشرفت‌های اقتصادی، حاصل ابداعات و ابتکارات بوده است.

از طرف دیگر، نک و کیفر (۱۹۹۷) یادآور شده‌اند که اگر کارفرمایان مجبور به صرف وقت بیشتری برای نظارت بر تخلفات احتمالی کارگران، کارمندان و شرکا شوند، وقت کمتری به نوآوری در تولیدات و فرآیندهای جدید اختصاص می‌دهند.

سرمایه اجتماعی به پیشرفت شبکه‌های تحقیق و توسعه نیز کمک می‌کند. نگرش جدیدی که در اقتصاد کشورهای پیشرفته طی دهه ۱۹۹۰ و

هزاره جدید شکل گرفت، اهمیت زیادی برای پیوندهای بین سازمانی به شکل مشارکت و ائتلاف قائل است. بسیاری از بنگاه‌ها، و کارخانه‌ها روابط گروهی سازماندهی با دیگر بنگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و همچنین دولت‌های ملی برقرار کرده‌اند (علمی و همکاران، ۱۳۸۴)، که ابداعات در نتیجه تحقیق و توسعه را به نتیجه اجرایی می‌رساند.

۴- ب) سرمایه انسانی

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی تأثیر زیادی بر تشکیل و ارتقای سرمایه انسانی دارد، مانند ماندن

شکوفایی سرمایه انسانی یک جامعه باشد. مطالعات گسترده نشان داده‌اند که سرمایه انسانی می‌تواند نقش عمده‌ای در رشد اقتصادی داشته باشد و از این طریق، سرمایه اجتماعی می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد (تیمور رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶).

سرمایه انسانی در شرایطی می‌تواند مکمل سرمایه اجتماعی شود؛ یعنی هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر رود، سطح سرمایه انسانی ارتقاء می‌یابد و در جامعه‌ای با سرمایه‌های انسانی بالاتر و تحصیل‌کرده‌تر، احتمال اینکه سرمایه

سرمایه اجتماعی با افزایش آموزش و بهداشت، کاهش مرگ و میر و بهبود وضعیت بهداشت و سلامت، افزایش امید به زندگی، کاهش بزهکاری و جرم و جنایت، موفقیت و کارایی اقتصادی افراد، احساس خوشبختی، کارایی نهادی و اعتماد به حاکمیت، توسعه محلی و ملی و توسعه اقتصادی و درآمد کشورهای رابطه مستقیم دارد

اجتماعی در آن جامعه ارتقاء یابد بیشتر است؛ چرا که با سطح سواد و اطلاعات بالا، احتمال همبستگی و همکاری و هم‌بانی آحاد آن جامعه با یکدیگر بیشتر است.

از سوی دیگر آموزش و پرورش صرفاً سرمایه انسانی تولید نمی‌کند؛ بلکه سرمایه اجتماعی را نیز به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی منتقل می‌سازد. استان‌های محروم کشور، در زمینه آموزش و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی نسبت به استان‌های برخوردار، از وضعیت مناسبی بهره‌مند نمی‌باشند.

در دبیرستان تا فارغ‌التحصیلی به جای - و در برابر- ترک تحصیل. هم سرمایه اجتماعی داخل خانواده و هم سرمایه اجتماعی خارج از آن شواهد بسیار ارزنده کاهش احتمال ترک تحصیل در دبیرستان را نشان داده‌اند (کلمن، ۱۳۸۵).

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با تعاملات اجتماعی خارج از فضای بسته دوستان و آشنایان، نیز با افزایش اعتماد و کاهش فرصت‌طلبی، می‌تواند زمینه را برای افزایش بازدهی افراد از تحصیلات و سرمایه انسانی که دارند، فراهم کند، که خود می‌تواند عاملی برای رشد و

۵- ب) تندرستی و سلامت

سرمایه اجتماعی مختلف با راهکارها یا پویش‌های مختلف می‌توانند بر تندرستی تأثیر بگذارند. سرمایه اجتماعی ممکن است مستقیماً بر تندرستی تأثیر بگذارد یا به سیاست‌هایی منجر شود که پیامدهای بهداشتی دارند. رابطه ناگسستگی بین سرمایه اجتماعی، فقر و سلامت برقرار است؛ چرا که جوامعی که سرمایه اجتماعی بالا دارند، شهروندان شان اجتماعی‌تر و مصرف‌کننده خدمات رسانه‌ای بیشتری می‌باشند که از این طریق می‌توانند به اطلاعات بهداشتی و سلامت دسترسی پیدا می‌کنند و احتمال اینکه آن افراد به توصیه‌های پزشکی بیشتر عمل کنند، بالاتر است. ارتقای سلامت؛ طول عمر، امید به زندگی و کاهش سال‌های ناتوانی را به دنبال دارد.

امروزه رابطه بین سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جنایت به شکل مستدل ثابت شده است (Kawachi, 2000). هرچه سرمایه اجتماعی در یک منطقه فقیرنشین بیشتر شود، نتایج سلامت نیز بهتر خواهد بود (بابایی، بی تا). فضاهای اجتماعی که دارای برخی از انواع مشارکت و اعتماد هستند، بهداشت و سلامت مناسب را ایجاد یا تسهیل می‌کنند؛ در توضیح باید گفت دسته‌ای از اقدامات و آرمان‌های افراد به جهت ایجاد روحیه مثبت، به خودی خود، سلامت آفرین است. همچنین قراردادن فرد در شبکه حمایت اجتماعی، به سلامت روانی کمک می‌کند (وینسترا، ۱۳۸۵). حتی احتمال آنکه فردی اجتماعی برای سلامت خود به پزشک مراجعه کند، بیش از فرد منزوی است. در ایفای وظایف شغلی و تولیدی،

سلامتی نیروی کار از مهمترین عوامل است، به ویژه مجموع روزهای کاری نیروهای سالم در سال بیش از دیگران است و مجموع سال‌های اشتغال نیروی انسانی دارای سلامت بیشتر و مفیدتر از دیگر همکاران است.

ج) اثر سرمایه اجتماعی بر موفقیت و کارآمدی دولت در اقتصاد سرمایه اجتماعی از طریق اثرگذاری بر نقش و کارآمدی دولت، در موارد زیر به رشد تولید کمک می‌کند:

۱- ج) کارآمدی نهادهای دولتی افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد به نهادها را باعث می‌شود و دولت که نقش مرکزی را در نهادها دارد، در ارتقای سرمایه اجتماعی، اعتماد عموم مردم را به خود جلب می‌کند. جلب اعتماد

سرمایه اجتماعی؛ عموم مردم را به رعایت و گسترش هنجارها و ارزش‌های مثبت تشویق و خاطیان را منزوی می‌کند و به همین دلیل از شبکه‌های اجتماعی و پیوندها به عنوان مانعی برای وقوع جرم، فساد و اختلاس یاد می‌شود

به دولت، پشتیبانی از دولت را به دنبال دارد که یکی از مهمترین پشتیبانی‌ها، خرید اوراق قرضه دولتی توسط عموم شهروندان در مواقع کسری بودجه است که با حمایت مردم، کسری را جبران می‌کند و نتایج این اعتماد در قانون‌گرایی

مردم ظاهر می‌شود که در آن هنگام اجرای سیاست‌ها تسهیل و سیاست‌مداران همکاری بهتری با یکدیگر خواهند داشت. تحقیقات تجربی حکایت از پیوند مستقیم این سرمایه با حفظ و بقای دموکراسی دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۳). البته اعتماد عمومی تحت تأثیر ثبات سیاست‌ها، عمل به وعده‌ها و پایبندی به تعهدات از سوی دولت پدید می‌آید که شرایط مناسب‌تری را برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. به عکس؛ توزیع ناعادلانه درآمد و تبعیض به شدت بر سرمایه اجتماعی اثر منفی می‌گذارد.

پاتنام توانست در مطالعه مناطق مختلف ایتالیا ارتباط بین سرمایه اجتماعی و موفقیت دولت‌ها را کشف کند. همچنین در مناطقی که اعتماد اجتماعی بیشتر است، خدمات دولتی با کیفیت‌تر است. وی به این نتیجه رسید که در مناطقی که سرمایه اجتماعی بالا است، شهروندان در مواجهه با دولتمردان؛ درخواست‌های عمومی شهری و منطقه‌ای را مطرح می‌کنند و در مقابل در مناطقی که سرمایه اجتماعی پایین‌تر است، شهروندان پیگیر مشکلات شخصی خود هستند؛ به این معنا که در مناطق با سرمایه اجتماعی بالاتر، عموم مردم بیشتر در جهت حل مشکل شهری و منطقه‌ای کام بر می‌دارند. اعتماد عمومی به حاکمیت؛ مؤلفه مهمی در امر تقویت تعهد اجتماعی در همیاری حاکمیت و مشارکت سیاسی است.

۲- ج) سهولت در مالیات ستانی و کاهش کسری بودجه کشورهای بسیاری از جمله کشور ما سال‌های بسیاری با کسری بودجه مواجه بوده‌اند. کسری بودجه همان گونه که از عنوانش برمی‌آید؛ کسری

درآمدها نسبت به هزینه‌های دولت است. بخش مهمی از درآمد دولت‌ها را مالیات تشکیل می‌دهد.

تجربه نشان داده است هر چه اعتماد شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر بالاتر باشد، مالیات‌ستانی سهل‌تر انجام می‌گیرد و فرار مالیاتی کمتر می‌شود و در مجموع درآمد مالیاتی افزایش می‌یابد.

۳- ج) کاهش آسیب‌های دوران رکود در اقتصاد ایران شاهد آن بوده‌ایم که با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و شرایط مساعد آب و هوایی، تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی به شدت افزایش یافته و اغلب بنگاه‌های اقتصادی در چند نوبت اقدام به تولید کالا کرده، بیکازی کمتر شده و بنگاه‌های جدیدی به وجود آمده‌اند. گاهی نیز پیش می‌آید که قیمت نفت کاهش می‌یابد و خشکسالی بر کشور حکمفرما می‌شود (مانند سال ۱۳۶۷) و در پی آن؛ درآمد اغلب مردم کاهش می‌یابد و کارگران شغل خود را از دست می‌دهند. در اقتصاد کلان؛ این نوسانات ایجاد شده در فعالیت‌های اقتصادی و بنگاه را ادوار تجاری یا نوسانات تجاری می‌نامند (مهرگان، ۱۳۸۶).

در صورت وجود اعتماد و سرمایه اجتماعی سه‌گانه، بنگاه‌ها و کارگرانی که بازار و کار خود را از دست می‌دهند، مورد حمایت دیگران قرار می‌گیرند (مهرگان، ۱۳۸۶) و از آن مهم‌تر اگر سرمایه اجتماعی ارتباطی بالا باشد و دولت‌ها به یکدیگر اعتماد داشته باشند، تشویق هرچه بیشتر به ذخیره‌سازی سرمایه‌ها به ویژه سرمایه‌های ارزی اتفاق می‌افتد که در هنگام رکود می‌تواند کاهش درآمدها و سرمایه‌گذاری‌ها را جبران و افت تولید و رشد اقتصادی را کنترل کند.

۴- ج) اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت،

هدف از تهیه برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت مانند سند چشم‌انداز طراحی حرکتی آینده‌ساز با شناخت فرصت‌ها و چالش‌ها و نشان‌دادن راهکارهای مناسب برای بهره‌گیری از امکانات و برداشتن موانع است که نشان از وجود عزم ملی دارد و پایبندی دولت و نهادهای حاکمیتی به آن؛ سبب تقویت باور شهروندان به آینده‌ای روشن می‌شود. افزودن به سرمایه اجتماعی، فرایند دستیابی به هدف‌ها را آسان می‌کند؛ که البته اجرای آن به ویژه توسط دولت‌های بعدی مستلزم وجود اعتماد به یکدیگر و سرمایه اجتماعی به ویژه سرمایه اجتماعی ارتباطی است.

هدف از تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله دورشدن از برنامه‌های مقطعی و سلیقه‌ای می‌باشد تا هدف‌های بلندمدت پیش‌بینی، تدوین و روشن شود؛ ولی یکی از بزرگترین مشکلات کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، پایبند نبودن دولت و دیگر نهادهای حاکمیتی به برنامه‌های توسعه بوده است (کریمی، ۱۳۸۶). یکی از دلایلی که برخی مشکلات گریبانگیر اقتصاد کشور شده است، عدم توجه کافی به برنامه‌های بلندمدت بوده است. در صورت فقدان توجه جدی به برنامه‌ها، هم و غم دولت معطوف به حل مشکلات گوناگون روزمره می‌شود و اهداف موقت، متنوع و بعضاً متعارضی بر مسؤولان تحمیل می‌شود و امکانات به عوض اینکه برای حصول به اهداف تولیدی و رشد تعریف شده در برنامه‌ها معطوف شود، صرف حل مسائل - البته فوری و در جای خود ضروری - روز می‌شود.

۵- ج) کاهش فساد مالی و اختلاس سرمایه اجتماعی؛ عموم مردم را به رعایت و گسترش هنجارها و ارزش‌های مثبت تشویق و خاطیان را منزوی می‌کند و به همین دلیل از شبکه‌های اجتماعی و پیوندها به عنوان مانعی برای وقوع جرم، فساد و اختلاس یاد می‌شود. مطالعات طولی نیز این موضوع را ثابت نموده‌اند که هر چه سطح سرمایه اجتماعی پایین‌تر باشد، میزان جرایم و دزدی بالاتر خواهد بود و همچنین میزان تمایل ساکنان یک محله برای مداخله جهت حفاظت از منافع جمعی و اموال عمومی بستگی به شرایط اعتماد متقابل و همبستگی اجتماعی در بین ساکنان دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۲). سرقت وقتی کاهش می‌یابد، باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود و به شکل بالقوه اعتبارات این صرفه‌جویی‌ها می‌تواند صرف تولید گردد.

از سوی دیگر، با کاهش فساد مالی و اختلاس وابستگان به دولت، منابع قابل تصرف دولت افزایش و نیز هزینه‌های کشف، دادرسی و جزای مجرمان مالی کاهش می‌یابد. این توسعه منابع و صرفه‌جویی در مصارف، ظرفیت مالی بیشتری برای دولت ایجاد می‌کند که چه آنها را سرمایه‌گذاری و چه مصرف کند، در هر صورت بر تولید تأثیر مثبت می‌گذارد.

همچنین میان شاخص فساد از یک سو و شاخص‌های حکمرانی، توسعه انسانی و درآمد سرانه به عنوان جانشینی برای شاخص تحولات و رشد اقتصادی از سوی دیگر رابطه منفی وجود دارد و بین فساد و توزیع نابرابر درآمد نیز در مجموع رابطه مثبتی برقرار است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی این مقاله و نیز از بررسی‌هایی که در این زمینه به عمل آمده است؛ نتایج حاصل شده که موارد زیر اهم نتایج و پیشنهادهای را در بر می‌گیرد:

سرمایه اجتماعی، دولت و حکومت:

۲- پایبندی به برنامه ۵ ساله توسعه و اهداف چشم‌انداز، محصول سرمایه اجتماعی است که این فرایند نیز به ارتقای سرمایه اجتماعی می‌انجامد و پایبندی حاکمیت به آن، سبب تقویت

۵- در جوامع با سرمایه اجتماعی بالا، مسئولان بیشتر مورد اعتمادند، وعده‌ها و سیاست‌هایشان از اعتبار بیشتری برخوردار می‌باشد و تعهدات، تضمین‌ها و قوانین اقتصادی مرتب مورد تجدیدنظر و اصلاح واقع نمی‌شوند. مردم، این جوامع را مناطق مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری می‌یابند و برمی‌گزینند و فناوری تولیدی را انتخاب می‌کنند که در بلندمدت و نه کوتاه‌مدت بهینه است. (نک و کيفر، ۱۹۹۷) (علمی، ۱۳۸۴). تغییرات پیاپی در سیاست‌های اقتصادی، ثبات را در بازار به مخاطره می‌اندازد و نگاه‌ها را با نااطمینانی در بازار مواجه می‌کند که دولت می‌باید به آن توجه نماید.

۶- هر حرکتی که اعتماد مردم به حکومت و نهادهای وابسته به آن را تحت تأثیر قرار دهد، اقتصاد و اعتماد مردم به یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به ویژه در سرمایه‌گذاری که از اهم عوامل تولید است، اعتماد سرمایه‌گذاران منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر و تولید افزون‌تر خواهد شد.

۷- اعتماد عمومی به حاکمیت، مؤلفه مهمی در امر تقویت تعهد اجتماعی برای به جریان افتادن سرمایه اجتماعی در همیاری حاکمیت و مشارکت سیاسی است. نگرش منفی مردم در مواردی نظیر تبعیض؛ معرف قابل اعتنایی در اعتماد عمومی است. (قنبری و صادقی، ۱۳۸۷).

۸- آموزش نیروی انسانی یک جامعه و تربیت آنها در راستای مشارکت و کارگروهي، امر بسیار مهمی در زمینه انتقال اثر سرمایه اجتماعی بر تولید است. توجه به آموزش و پرورش از این جهت نیز حائز اهمیت است.

۹- استان‌های محروم کشور از

در مناطقی که سرمایه اجتماعی بالا است، شهروندان در مواجهه با دولتمردان؛ درخواست‌های عمومی شهری و منطقه‌ای را مطرح می‌کنند و در مقابل در مناطقی که سرمایه اجتماعی پایین‌تر است، شهروندان پیگیر مشکلات شخصی خود هستند

باور عمومی به آینده‌ای نسبتاً روشن می‌شود. اعتمادسازی بین دولت‌ها و جناح‌های سیاسی در این جهت بسیار اهمیت دارد.

۳- سرمایه اجتماعی علاوه بر اینکه انعقاد قراردادهای تسهیل و تسریع می‌کند و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش می‌دهد، حفاظت از حقوق مالکیت و مالکیت معنوی را بهبود می‌بخشد که عوامل مهمی در رشد تولید است و می‌باید بیش از پیش به آن توجه نمود.

۴- بهبود کارایی دولت نیز بر عملکرد اقتصادی مؤثر است. این مطلب به خصوص در کشور ایران که از دولت بسیار بزرگی برخوردار است؛ اهمیت زیادی دارد. همچنین دولت حتی‌الامکان می‌باید ایجاد کسب و کار را برای نگاه‌ها تسهیل کند.

سرمایه اجتماعی و یک پیشنهاد عمومی:

۱- با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در ایجاد توسعه و افزایش رشد اقتصادی از طریق عواملی که در مقاله مرور شد، در وضعیت فعلی اقتصادی کشورمان که به بیکاری و تورم مزمن دچار است سرمایه اجتماعی به صورت خفیف در حال کاهش است، تلاشی مضاعف برای صعود سرمایه اجتماعی لازم و ضروری می‌باشد تا بی‌انگیزگی‌ها کاهش و کارآفرینی در کشور توسعه یابد؛ بدون سرمایه اجتماعی، صرف اعطای وام و توزیع اعتبارات؛ شغل ایجاد نمی‌کند و اشتغال را افزایش نمی‌دهد. به ویژه لازم است سرمایه‌گذاری‌های جدیدی برای تأمین سرمایه اجتماعی نسل جوان صورت پذیرد.

نظر وضعیت سرمایه اجتماعی در وضع نامناسبی قرار دارند و باید به آنها توجه ویژه معطوف داشت که نیاز به تقویت دارند. توجه به برخی شاخص های آموزشی، در تقویت این امر می تواند کمک فراوانی نماید.

۱- همچنین همان طور که گفته شد، در کشورهای فقیر که در آنها بخش توسعه یافته مالی وجود ندارد، سرمایه اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است که می توان آن را در مورد استان های محروم تر منطبق دانست و بر افزایش سرمایه اجتماعی در آن مناطق تأکید نمود.

۱۱- با توجه به اینکه در استان های کشور، سرمایه اجتماعی برون گروهی اثر مثبت و تعاملات اجتماعی درون گروهی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد، توصیه می شود تعاملات برون گروهی و ارتباطات اجتماعی و ملی تشویق شود تا بر افزایش رشد تأثیرگذار باشد.

۱۲- در برنامه های جلب مشارکت شهروندان باید به سازوکارهای مولد کنش جمعی و تفاوت میان آنها بر اساس پارادایم سنتی / مدرن توجه داشت که در مناطق مدرن تر می توان بیشتر از سازوکارهای رسمی در قالب انجمن ها و تشکلهای استفاده کرد اما در مناطق سنتی باید از توان نهادهای مذهبی برای رشد و تقویت انواع مشارکت و اعتماد عمومی بهره گرفت. ■

منابع:

- امیری، میثم (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ۲۸ استان کشور طی دوره ۸۲-۱۳۷۹ بر اساس روش اقتصادسنجی فضایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی،

دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

- امیری، میثم و تیمور رحمانی. (۱۳۸۵). بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان های ایران؛ فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال سوم، شماره ۶.

- بابایی، نعمت... سیاست اجتماعی و سلامت؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰.

- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، نشر شیرازه، چاپ دوم.

- خاندوزی، احسان (۱۳۸۴). پیوند متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ فصلنامه پژوهشی راهبرد یاس، شماره سوم، پاییز.

- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی؛ فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۱۳، زمستان.

- رحمانی، تیمور؛ حسین عباسی نژاد و میثم امیری (۱۳۸۶). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران؛ مطالعه موردی: استان های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی؛ فصلنامه پژوهش های اقتصادی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، سال هفتم، شماره دوم، تابستان.

- رنانی، محسن (۱۳۸۱). سقوط سرمایه اجتماعی، ماهنامه آفتاب، ۱۶.

- رنانی، محسن (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی، حلقه مفقوده عدالت و توسعه؛ مجموعه مقالات چهارمین همایش اقتصاد ایران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، زیر چاپ.

- روشنفکر، پیام و محمدسعید نکایی (۱۳۸۵). جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه؛ فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، زمستان.

- سعادت، رحمان (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل وضعیت و روند سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی

- سن، آمارتیاکومار (۱۳۸۰). توسعه به مثابه آزادی؛ ترجمه حسین راغفر؛ دستان، چاپ اول.

- سوری، علی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۹، تابستان.

- شارع پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن؛ مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن

جامعه شناسی ایران، چاپ اول.

- شیخان، ناهید و... حجتا... رضازاده (۱۳۸۶). هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در توسعه کارآفرینی؛ ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۱۱ و ۱۲؛ مرداد و شهریور.

- علمی، زهرا؛ محمود شارع پور و امیرحسین حسینی (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد؛ مجله تحقیقات اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

- فرانکوئیس، پاتریس (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ ترجمه محسن رنانی و رزینا مؤیدفر؛ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، چاپ اول.

- فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی (۱۳۸۵). دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۲۳، زمستان ۸۵.

- فیروزآبادی، احمد و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، زمستان.

- قنبری، علی و حسین صادقی (۱۳۸۷). تحولات اقتصادی ایران، جلد دوم؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، زیر چاپ.

- کریمی، زهرا (۱۳۸۶). پایبندی به اهداف سند چشم انداز ج.ا.ایران، تقویت کننده سرمایه اجتماعی، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، چاپ اول.

- کلمن، جیمز (۱۳۸۵). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی؛ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی؛ تهران: نشر شیرازه، چاپ دوم.

- مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی (۱۳۸۵).

- مقالاتی از رابرت پاتنام، فرانسیس فوکویاما، جیمز کلمن، پیر بوردیو و دیگران؛ ترجمه حسن پویان و همکار؛ تهران: نشر شیرازه.

- مهرگان، نادر (۱۳۸۶). اقتصاد خرد؛ نور علم؛ چاپ دوم.

- مهرگان، نادر (۱۳۸۶). اقتصاد کلان؛ نور علم، چاپ اول.

- وینستر، گری (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری درآمد؛ مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی؛ تهران: نشر شیرازه، چاپ دوم.